

آب دندان و بابِ دندان

ابوالفضل خطیبی

در شاهنامه هنگامی که سیاوخش به توران می‌رود و در سیاوشگرد جای می‌گیرد، افراسیاب کرسیوز را با هدایایی نزد او می‌فرستد و به او می‌گوید:

اگر آب‌دندان بودِ میزبان بدان شهر خرم دو هفته بمان

(فردوسی، ج ۲، ص ۳۲۰، ب ۱۷۴۷)

اصطلاح آب‌دندان که همین یک‌بار در شاهنامه آمده و گویا قدیمی‌ترین شاهد ما برای این واحد واژگانی باشد، به معنای موافق میل است. اما در دیگر متون زبان فارسی به‌ویژه نظم کاربرد نسبتاً فراوانی دارد؛ به معانی زیر^۱:

(۱) مطابق میل و سازگار که به‌جز شاهنامه شاهد دیگری از نثر نیز می‌آوریم:

(ق ۶) در دهان مردم از کوزه روزگار هیچ چیز آب‌دندان نیست. (ابوالرجاء قمی، ص ۱۹۰)

(۱) همه شواهد از پیکره رایانه‌ای واژگان متون زبان فارسی که در گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی فراهم شده، استخراج شده‌اند.

۲) در مورد حریفان در مسابقه و جز آنها به معنای ناکارآزموده و بی تجربه که به سادگی شکست می‌خورد. این معنی در مقایسه با معانی دیگر بیشتر کاربرد داشته است، تا آنجا که در دیوان‌های شاعرانی از قرن ششم چون مسعود سعد (اشاهد: ج ۱، ص ۴۹۴)، جمال‌الدین اصفهانی (۳ شاهد: ص ۷۱، ۳۸۳، ۴۶۷)، انوری (۴ شاهد: ج ۱، ص ۲۵۷، ۴۲۸؛ ج ۲، ص ۵۵۹، ۸۸۹)، آب‌دندان فقط به این معنی آمده است. همین اصطلاح در مورد معشوق و محبوب به معنای رام‌شدنی است که به سادگی با عاشق بر سر مهر می‌آید یا تسلیم او می‌شود:

(ق ۶) حریفی زهره‌طبع و آب‌دندان چو خورشید آتشین چون صبح خندان
(عطار، ص ۶۹)

(ق ۷) هر دم از ذوق و شوق چندان شد تا که او نیز آب‌دندان شد
(قانع، به نقل از محمدبن هندوشاه، ص ۲۲۸)

۳) (کسی) که دارای دندانی سفید و درخشان است.

(ق ۶) شاهدان آب‌دندان آمده در کار آب
فتنه را از خواب خوش دندان‌کنان انگيخته
(خاقانی، ۳۹۳)

بنابراین هنگامی که آب‌دندان در مورد معشوق با دندان‌های سفید و درخشان به کار می‌رود، گاهی می‌تواند معنای بر سر مهر بودن و مطلوب بودن او نیز مراد شاعر باشد.
۴) نوعی شیرینی که از قرن ششم در آثار عطار تا امروز شواهدی از آن در دست است.^۲

۲) محمد آصف فکرت، از پژوهشگران افغانی در وبگاه خود (با عنوان پادها) اطلاعات روشنی از این شیرینی و طریقه پخت آن در افغانستان و خراسان بدین شرح به دست می‌دهد: آب دندان، نخست به معنی «ریق و آبی که در کنار دندان و در مجموع در دهان است». دیگر آب‌دندان «نوعی شیرینی بسیار نرم و خوشمزه» که ساختن و

(۵) نوعی گلابی که شواهدی از آن در متون قرن دهم هجری به بعد موجود است.
(۶) نوع یا انواعی از انار که دست‌کم پنج نوع آن به همین نام در برخی شهرهای ایران شناخته شده است.^۲

(۷) نوعی حلوا

چنین می‌نماید که همه معانی آب‌دندان به معنی تحت‌اللفظی آن یعنی آب دندان «آبی که در روی و پیرامون دندان‌ها جمع و به سادگی قورت داده می‌شود» ربط دارد و انار و گلابی‌ای که آب‌دندان نام دارند، آبدارند و نرم و لذیذ که به سادگی جویده و خورده می‌شوند و یا شیرینی و حلوایی که به قول امروزی‌ها در دهان که می‌رود آب می‌شود و معانی کنایی آن در مورد حریف که به همان سادگی که آب دندان را می‌توان قورت داد، او را نیز می‌توان مغلوب کرد و معانی مناسب و درخور نیز در همه معانی مذکور حضور دارند. امروزه این اصطلاح جز در نام نوعی شیرینی یا انار یا احیاناً نوعی گلابی و حلوا در برخی شهرهای ایران، کاربرد دیگری ندارد. و جای خود را در معنای یکم یعنی سزاوار و سازگار و مناسب به اصطلاح باب دندان داده است.

نکته جالب این است که سابقه کاربرد اصطلاح باب دندان از حدود یک‌صد و بیست سال تجاوز نمی‌کند. در اینجا می‌خواهیم نشان دهیم که چگونه آب‌دندان یا آب دندان که چندین قرن در زبان فارسی رواج داشته جای خود را به باب دندان داده است. پیکره رایانه‌ای گروه فرهنگ‌نویسی نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین متنی که در آن

→

پختن آن از گذشته‌های دور در کابل و بلخ و هرات و دیگر نواحی خراسان رواج داشته و دارد و آن نوعی نانک شیرین یا کلوچه (کابل و بلخ: کُلْچَه) است که از آرد نخود بریان و روغن زرد و شکر و گلاب و زعفران می‌سازند و می‌پزند. بسیار خوش‌خور و لطیف است و چون در دهان نهند آب شود و به جویدن نیازی ندارد.

(۳) آب‌دندان شیرین راور کرمان؛ آب‌دندان استخوانی ملس خراسان؛ آب‌دندان بجستانی ملس خراسان؛ آب‌دندان ملس درجین سمنان؛ آب‌دندان ملس لاسجرد سمنان و آب‌دندان ملس هماآباد نائین. (پایگاه اینترنتی بانک اطلاعات انار ایران)

اصطلاح باب دندان به کار رفته، کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی (سال ترجمه: حدود ۱۲۸۹-۱۳۱۰ ه‍.ق) است و پس از آن در آثار جمال‌زاده، هدایت، عبدالله مستوفی و سایر نویسندگان فراوان به کار رفته است. واژه باب به جز معنی اصلی آن (در و دروازه) به معنی بخشی از یک کتاب، موضوع، باره، مورد و معانی دیگر آمده است؛ نیز در ترکیباتی چون از هر باب، از این باب، در هیچ باب، فتح باب و جز آنها در متون کهن و جدید فراوان به کار رفته است. اما یکی از معانی آن که به بحث ما مربوط می‌شود، معنی مناسب و درخور و شایسته و رایج است که در متون کهن نیست، ولی از قرن یازدهم در آثار شاعران سبک هندی چون صائب و بیدل و قدسی مشهودی دیده می‌شود. به شواهد زیر توجه فرمایید:

از رگ خامی ندارد راه دل در بزم عشق چینی مودار، باب مجلس فغفور نیست
(صائب، ج ۲، ص ۶۳۸)

پیش ما جز بی‌خودی دیگر متاعی باب نیست
خودفروشی بنده بی‌صاحب بازار ماست
(صائب، ج ۲، ص ۴۸۱)

میان باده‌کشان بی‌تکلفی باب است (همو، ج ۲، ص ۸۲۰)
در مملکت وسیع رحمت هر جنس که می‌برند باب است
(همو، ← آندراج، ذیل «باب»)

هر که دردی نباشدش باشد باب آتش چو نخل بی‌حاصل
(قدسی مشهدی، ص ۳۲۵)

دلیل دیگری که نشان می‌دهد این معانی باب پیش از قرن یازدهم رواج نداشته این است که این معانی در هیچ یک از فرهنگ‌های فارسی پیش از این زمان مانند مؤید

الفضلاء و مدارالافاضل و جز آنها نیامده، ولی در فرهنگ‌های بعدی چون برهان قاطع و آندراج آمده است. بنابراین واژه باب به معانی مناسب، درخور و شایسته و رایج و ترکیباتی چون باب بودن (رایج و مناسب بودن)، باب کردن (رواج دادن)، باب شدن (رایج شدن) از قرن یازدهم در زبان فارسی کاربرد فراوانی یافته است و براساس این معانی باب، طی حدود یک‌صد سال گذشته ترکیباتی چون بابِ طبع (مناسب طبع)، بابِ میل (مطابق میل)، بابِ دل، بابِ روز، بابِ دهان و جز آنها کاربرد بسیاری یافته‌اند، اما از میان ترکیباتی که با باب ساخته شده‌اند، اصطلاح بابِ دندان به‌ویژه در معنای کنایی کاربرد گسترده و متنوعی یافته است. دربارهٔ ارتباط دو اصطلاح آب‌دندان و بابِ دندان دو فرض را می‌توان مطرح کرد: یکی اینکه این دو هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. آب‌دندان در معنی «مناسب و درخور» از رواج افتاده و در دورهٔ معاصر اصطلاح بابِ دندان مانند اصطلاحات دیگر ترکیب یافته با باب چون بابِ طبع، بابِ میل و بابِ دهان، ساخته شده است. شاید دلیلی که درستی این نظر را تقویت می‌کند این باشد که از حدود قرن نهم و دهم به این سو شواهد ما از آب‌دندان اندک است. فرض دوم این است که اصطلاح آب‌دندان (در معانی و کاربردهای مختلف) در زبان مردم – هرچند اندک – بوده و چون ارتباط معنایی آب با دندان در این معنی برای اهل زبان ناشناخته بوده، آنان باب را که در این معنی کاربرد وسیعی داشته، به جای آب نشانده‌اند. کاربرد گسترده و متنوع بابِ دندان در مقایسه با ترکیبات مشابه به‌ویژه بابِ دهان شاید گواه آن باشد که پیش از آن ترکیب مشابهی چون آب‌دندان بوده است. شاهدی جالب از یکی از قدیمی‌ترین شواهد برای بابِ دندان هست که این فرض را نیرو می‌بخشد. میرزا حبیب اصفهانی در یک جمله نخست آب‌دندان و بعد بابِ دندان را هردو به معنی «تسلیم‌پذیر و گول و مفت‌باز» به کار برده است:

(ق ۱۴) سقایان مشهد را همین که چشم بر من افتاد آب دهانشان خشک شد. به

هم‌چشمی برخاستند و به بهانه آنکه مرا حق سقایی در آنجا نیست خواستند سرچشمه هنرم را ببندند. یعنی از آب انبارم آب ندهند اما دیدند که حریف آب‌دندان و باب دندان نیست، قابل این است بزند و مشک همه را پاره کند. (میرزا حبیب، ص ۱۰۹)

منابع

- ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین (۱۳۶۳)، تاریخ الوزراء، به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- اصفهانی، جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق (۱۳۲۰)، دیوان، به تصحیح حسن وحید دستگردی، کتابفروشی ابن سینا، تهران.
- اصفهانی، میرزا حبیب (مترجم) (۱۳۵۱)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، نوشته جیمز موریه، به کوشش یوسف رحیم‌لو، کتابفروشی حاج محمدباقر، تبریز.
- انوری، اوحدالدین (۱۳۳۷)، دیوان، به تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۶۸)، دیوان، به تصحیح سید ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران.
- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۶۴-۱۳۷۰)، دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۳۹)، خسرونامه، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، انجمن آثار ملی، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- فکرت، محمدآصف، یاد (وبگاه شخصی).
- قدسی مشهدی، حاجی محمدجان (۱۹۹۶ م)، دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۶۴)، دیوان، به تصحیح مهدی نوریان، کمال، اصفهان.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۳۴۱)، صحاح الفرس، به اهتمام عبدالعلی طاعنی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

